



Civil Liability of Supervising Persons and Principals: A Comparative Study of the Laws of Iran, France, England, Egypt, and Iraq

Azizollah Fahimi ¹

1. Associate Professor of Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: aziz.fahimi@yahoo.com

Abstract

Received:
2022/10/23
Revised:
2023/05/10
Accepted:
2023/08/30
Published
online:
2026/06/22

Among the important issues in the field of civil liability is the liability of a supervising person or guardian for the acts of a person under his or her supervision or guardianship. As a general rule, the liability of the guardian is predominantly based on a presumption of fault, unless the contrary is established. The term “guardian” in this context refers to a person responsible for the care and supervision of a discerning or non-discerning child, or a person with a disability or visual impairment, whether appointed by operation of law or otherwise entrusted with such responsibility, thereby establishing a relationship of guardianship between the guardian and the person under guardianship. Where the person under guardianship causes damage to another and no external cause constitutes the source of the harm, the prevailing view among legal scholars is that the resulting loss must be compensated. Where the person under guardianship has sufficient assets, however, compensation for damage caused through his or her fault may, in the relevant circumstances, be satisfied from the minor’s own property. With regard to the civil liability of a principal, owner, or employer for the acts of a subordinate, including an agent or employee, the predominant approaches in the legal systems under consideration likewise place liability on fault-based grounds. Once a relationship of subordination is established, the employer, owner, or State is generally required to compensate for damage caused by the subordinate in the course of employment, unless it is established that the subordinate was himself or herself at fault in performing the relevant act. Nevertheless, in cases where the subordinate could not have prevented the harm even by exercising due care, liability for compensation is placed upon the principal.

Keywords: Civil Liability; Guardian; Supervising Person; Principal; Iran; France; England; Egypt; Iraq.

How To Cite: Fahimi, A. (2026). Civil Liability of Supervising Persons and Principals: A Comparative Study of the Laws of Iran, France, England, Egypt, and Iraq, *Comparative studies on Islamic and Western Law*, 13(2), 217-237. <https://www.doi.org/10.22091/csiw.2023.8691.2340>

Published by: University of Qom ©The Author(s) Article type: Research



مسئولیت مدنی سرپرست و متبوع مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس، مصر و عراق

عزیز الله فهیمی^۱

۱. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: aziz.fahimi@yahoo.com

چکیده

از جمله مباحث مهم حوزه مسئولیت مدنی، مسئولیت مدنی سرپرست یا ولی نسبت به فرد تحت سرپرستی یا مولی علیه است که عمدتاً مسئولیت سرپرست بر اساس فرض تقصیر ولی ترسیم شده است مگر آن که خلاف آن ثابت شود. مراد از ولی سرپرست طفل ممیز یا غیرممیز یا فرد معلول و نابینا است که به صورت ذاتی یا طبق قانون به سرپرستی انتخاب شده است که رابطه مولی و مولی علیه بین او و فرد تحت سرپرستی برقرار شده است و چنانچه خسارتی از طرف مولی علیه بر دیگری وارد شود و علت خارجی، عامل زیان وارده نباشد، حقوق دانان اکثراً قایل به لزوم جبران خسارت وارده توسط مولی علیه هستند و تا زمانی که مولی علیه مالی دارد در موارد وقوع تقصیر، خسارت باید از مال خود صغیر پرداخت شود. اما در بحث مسئولیت مدنی متبوع یا مالک یا کارفرما، نسبت به تابع، یعنی کارگزار و کارگر و غیره نیز عمده نظریات در این کشورها بر تقصیر پایه گذاری شده است که در مواقع احراز رابطه تابعیت، این کارفرما و مالک و دولت است که باید خسارت ضمن کار تابع را جبران نماید مگر آن که ثابت شود تابع در انجام عمل دچار تقصیر شده است. البته در مواقعی که اگر تابع تلاش هم می کرد قادر به دفع ضرر نبود پرداخت خسارت بر عهده متبوع نهاده شده است.

کلیدواژگان: مسئولیت مدنی، سرپرست، ایران؛ فرانسه، انگلیس، مصر، عراق.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۸/۰۱

تاریخ اصلاح:

۱۴۰۲/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۶/۰۸

تاریخ انتشار برخط:

۱۴۰۵/۰۴/۰۱

استناد: فهیمی، عزیزالله (۱۴۰۵). مسئولیت مدنی سرپرست و متبوع مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس، مصر و عراق، پژوهش تطبیقی

حقوق اسلام و غرب، ۱۳ (۲)، ۲۳۷-۲۱۷. <https://www.doi.org/10.22091/csiiv.2023.8691.2340>



نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه قم © نویسندگان

مقدمه

بحث مسئولیت مدنی متبوع نسبت به تابع در حقوق کشورهای مختلف طرح شده است. عمده ترین بحث در این است که در چه مواقعی متبوع نسبت به زبانی که از سوی تابع وارد می شود مسئولیت دارد. این مطلب را در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس، مصر و عراق دنبال نمودیم.

۱. مفاهیم

در این مقاله ضمن ارائه برخی تعاریف لازم در مقدمه، در قسمت اول به بحث تطبیقی مسئولیت مدنی تطبیقی سرپرست و در قسمت دوم به بحث تطبیقی مسئولیت مدنی متبوع نسبت به تابع در پنج کشور ایران، فرانسه، انگلیس، مصر و عراق خواهیم پرداخت.

مسئولیت مدنی در اصطلاح حقوقی ایران دارای معنای عام و خاص است. در معنای عام به هرگونه تعهدی که قانون بر عهده شخص قرار داده باشد تا زیان وارد شده به دیگری را جبران کند، مسئولیت مدنی می گویند، اعم از اینکه ریشه قراردادی داشته باشد یا نه. بر این اساس، مسئولیت مدنی به دو شاخه «مسئولیت مدنی قراردادی» و «مسئولیت مدنی غیرقراردادی» تقسیم می شود.

اما مسئولیت مدنی به معنای خاص، فقط مسئولیت مدنی غیرقراردادی را در بر می گیرد (بادینی، ۱۳۸۴: ۳۳ و ۳۲). واژه مسئولیت در حقوق رم و حقوق قدیم فرانسه وجود نداشته و در آثار گروسیوس^۱ و دوما^۲ به کار نرفته است و آنان به جای آن از عبارت «تعهد به جبران خسارت» استفاده کرده اند.

واژه مسئولیت مدنی از اواخر قرن هجدهم در زبان های اروپایی رواج یافته و در قرن نوزدهم از اخلاق به حقوق راه یافته است. به صورت دقیق تر باید گفت که از اواخر قرن سیزدهم میلادی در شرایطی که حقوق تابع مذهب و اخلاق بود، اصطلاح «مسئول» به معنای کسی که در قبال خداوند درباره زندگی و اعمالش پاسخ گوشت، در اخلاق مذهبی رواج یافت. این اصطلاح بعدها در جریان غیر مذهبی شدن اخلاق، وارد اخلاق عرفی گردید و به معنای پاسخگو بودن فرد در مقابل وجدانش تثبیت شد که در بردارنده قانون اخلاقی

1. Grotius

2. Domat

مطابق با طبیعت و عقل است. سرانجام به معنای کسی که در مقابل دادگاه درباره نتایج اعمال، رفتار و تقصیرش پاسخگوست، به حقوق راه پیدا کرد (Villey, 1970: 95).

امروزه در قلمرو حقوق هر وقت اصطلاح مسئولیت به کار می رود، منظور تکلیف وارد کننده زیان در برابر زیان در مقابل دادگاه و بر عهده گرفتن آثار مدنی، کیفری، انتظامی و غیره آن است، اعم از اینکه چنین تکلیفی در مقابل زیان دیده و یا جامعه باشد. مسئولیت به این معنا، مسئولیت کیفری و مدنی را در بر می گیرد. اما در مورد مبانی مسئولیت، مبانی زیر را می توان برشمرد.

۲. مبانی

۲-۱. نظریه تقصیر

از نظر اصطلاح در متون فقه کلمه تقصیر در معنای مختلفی به کار رفته است؛ اما معنایی که بیشتر مد نظر است، به معنی ضمان در موارد معین می باشد. این واژه در کتاب دیات و غصب فراوان استعمال شده است، ولی تعریف مشخصی از آن ارائه نشده و شاید به دلیل وضوح، به عرف واگذار شده است.

مصادیقی از تقصیر مانند تعدی، تفریط، اهمال، ترک تحفظ و تخطی در موارد مختلف استعمال شده است. تعدی و تفریط در مقابل همدیگر قرار می گیرند و مفهوم ماده ۹۵۳ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ مقرر می دارد: «تقصیر اعم است از تعدی و تفریط». تعدی در ماده ۹۵۱ و تفریط در ماده ۹۵۲ تعریف شده است و با الهام از این دو ماده می توان گفت: «تقصیر عبارت است از انجام عملی که شخص، نمی بایست مرتکب شود (تعدی) یا ترک عملی که شخص، می بایست انجام دهد (تفریط)». تبصره ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی نیز بیان می دارد که «تقصیر اعم از بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی» است.

۱/۱/۲. معیار تشخیص تقصیر

در مورد چستی معیار تشخیص تقصیر، اختلاف نظر وجود دارد؛ بعضی معیار شخصی و بعضی معیار نوعی را ملاک می دانند. وقتی تقصیر را بی احتیاطی و بی مبالاتی معنا کنیم، باید دید هنگام وارد زیان، بی احتیاطی عامل زیان، ملاک وقوع تقصیر است و یا اینکه عامل زیان احتیاط لازم را رعایت نموده، ولی چون سر زدن

این عمل از افراد متعارف دور از انتظار است، این عمل تقصیر محسوب می گردد. اگر معیار شخصی و اگر معیار دوم را بپذیریم، به معیار نوعی معتقد شده ایم، از مطالعه مجموع نظریات چنین به دست می آید که معیار نوعی با عرفی، مورد قبول فقها و حقوق دانان و آرای قضایی است؛ برای مثال امام خمینی (ره) عامل زیان را به علت عدم رعایت محافظت کافی مقصر می داند و همین طور صاحب جواهر الکلام و محقق حلی در شرایع.

۲/۱/۲. تاثیر وضعیت عادی و خاص در مبنای مسئولیت

مبنای مسئولیت مدنی در حقوق ایران در وضعیت عادی بر مبنای تقصیر استوار شده است ولی در برخی موارد که از آن به وضعیت خاص تعبیر می کنیم این مبنا با استثناء روبرو بوده است.

در وضعیت عادی مبنای مسئولیت این است که فعل زیان بار سبب ورود زیان باشد تا مسئولیت اتفاق افتد، در بعضی مواقع در روایات چنین رابطه ای لازم دانسته نشده است. طرح این مبحث به منظور آن است که بتوان با توجه به مذاق شارع در موارد مهمی این مسئولیت زیست را افزایش داد. نظر فقها درباره مسئولیت در وضعیت خاص در دو محور می آید:

- الف. در جایی که شخص مسئول فعل زیان بار تلقی می شود، با اینکه فعل به او استناد داده نمی شود.
- ب. در جایی که زیان دیده نیاز به اثبات رابطه سببیت ندارد، بلکه عامل زیان، باید عدم استناد زیان به خود را ثابت کند.

توضیح قسمت الف. مسئولیت با نبود رابطه سببیت

اولاً. مسئولیت ناشی از فعل غیر

در فقه مثال چنین مسئولیت، ضمان عاقله است؛ ضمان عاقله: وقتی کسی به خطای محض دیگری را به قتل رساند یا جراحتی بر او وارد کند، دیه بر عاقله است. در حقوق دو مثال زیر را می توان ذکر نمود: مسئولیت کارفرما نسبت به اقدامات کارگران و کارمندان (ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی ایران) و مسئولیت دولت و شهرداری ها نسبت به این اقدامات؛ مثلاً اگر کارمندان دولت و شهرداری ها عمداً یا با بی احتیاطی

خسارتی به اشخاص وارد کنند، خودشان مسئولند و اگر عمل مستند به وسایل ادارات و مؤسسات باشد، مسئولیت متوجه ادارات و مؤسسات است.

ثانیا. مسئولیت مدنی ناشی از نقض وظیفه محافظت از اشخاص یا اشیا.

اگر محافظ صغیر یا مجنون تقصیر کند و بر اثر تقصیر او، صغیر یا مجنون زیانی به غیر رساند، او مسئول است (قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۶۲). اگر زیانی از سوی کودک یا دیوانگان خطرناک وارد شود و زیان به محافظ اسناد داده شود، او مسئول است. در حقوق این مطلب را در ماده ۷ (ق.م.م) می توان مشاهده نمود. مسئولیت صاحب حیوانی که حیوان او به دیگری خسارت زده، پذیرفته شده است. تبلور این حکم فقهی را در قانون مجازات اسلامی مواد ۳۶۱ و ۳۶۰ و همچنین در قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی مصوب ۱۳۴۷ و اصلاحی ۱۳۸۷ که مسئولیت دارنده وسیله نقلیه را پذیرفته، می توان مشاهده نمود.

۲/۲. نظریه فرض تقصیر یا اماره تقصیر

بر اساس این نظریه، در برخی موارد در صورت ورود زیان، مفروض آن است که فاعلی، تقصیر کرده است. بنابراین اصل بر مسئولیت وی است اما در مقام دفاع او می تواند عدم تقصیر خود را ثابت نماید و فرض یا اماره ابتدایی را از بین ببرد. مثلاً طبق ماده ۱۲ (ق.م.م) کارفرما مسول خسارات ناشی از اقدامات کارگران خود می باشد مگر این که ثابت نماید تمام احتیاطات لازم را انجام داده است (ره پیک، ۱۳۹۳: ۴۴) در این که فرض تقصیر همان اماره تقصیر است، برخی برای این مسئولیت دو توجیه کرده اند. این که مثلاً در مسئولیت صاحب جَرَف، فرض مسئولیت شده است و در حقیقت قاعده عدم ضمان امین درباره او اجرا نمی شود و توجیه دوم آن که برای صاحبان مشاغل، اماره مسئولیت وجود دارد و آنان می توانند عدم اسناد تلف به خود را به اثبات برسانند (حکمت نیا، ۱۳۸۶: ۲۸۶). بنابراین دو اصطلاح فرض تقصیر یا فرض مسئولیت همان اماره تقصیر یا اماره مسئولیت است.

۳/۲. مسئولیت مطلق یا عیبی یا خطر یا ضمنی

بر اساس این نظریه در صورت ورود ضرر، فاعل (یا مالک اشیاء و حیوان) مسئول جبران خسارت است. به عبارت دیگر در این نظریه اصل بر مسئولیت و جبران می باشد و به دلیل قرار نگرفتن این نظریه بر پایه تقصیر، اثبات عدم تقصیر یا رعایت احتیاط های لازم، تأثیری در مسئولیت ندارد (ره پیک، ۱۳۹۳: ۴۴؛ سنهوری، بی تا: ۷۶۴؛ فهیمی، ۱۳۹۱: ۴۷).

تنها راه اثبات عدم مسئولیت در اینجا فقط اثبات دخالت عامل خارجی است زیرا در صورت احراز علت خارجی، رابطه مفروض برای م فاعل یا مالک با خسارت، قطع می شود.

۳. مبنای مسئولیت مدنی سرپرست در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس، مصر و عراق ۱/۳. ایران

مبنای پذیرفته شده سنتی در ایران برای مسئولیت، نظریه تقصیر است (فهیمی، ۱۳۹۱: ۱۳۲). اما این مبنا که مسئولیت مبتنی بر ارکان (فعل زیانبار، ضرر، رابطه عرفی بین فعل و خسارت) استوار است برای حالت عادی است که شخص عاقل و رشید و بالغ خواسته یا ناخواسته زیانی را به غیر وارد نماید ولی در حالت غیر عادی، رکن سوم یعنی رابطه عرفی بین فعل و خسارت نادیده گرفته شده و مبنای تقصیر در این حالت، کارایی ندارد و در این حالت، مبنای مسئولیت، بر نظریه خطر یا مسئولیت مطلق استوار می گردد و لزومی به اثبات تقصیر مالک حیوان یا اشیاء و یا متولی بر صغیر نیست و حتی اثبات احتیاطات متولی نیز رافع مسئولیت نیست (سنهوری، بی تا: ۷۶۳/۱) و تنها راه اثبات عدم مسئولیت، اثبات علت خارجی است یعنی تنها در این صورت است که رابطه مفروض بین فاعل یا مالک و خسارت قطع می شود و وی از مسئولیت و جبران خسارت معاف می گردد. (ره پیک، ۱۳۹۳: ۴۵)

بر این اساس طبق ماده ۱۱ (ق.م.ا) دولت مسئول جبران خسارت کارکنان خود است مگر آن که خسارت مستند به عمد یا تقصیر کارکنان باشد و طبق ماده ۴۷۳ (ق.م.ا) هرگاه مأموری در اجرای وظایف قانونی، عملی را مطابق مقررات انجام دهد و همان عمل موجب فوت یا صدمه بدنی کسی شود دیه بر عهده بیت المال است.

مسئولیت مدنی متولی نسبت به فعل غیر یک حالت استثناء است زیرا اصل آن است که کسی به خاطر فعل غیر مسئول شناخته نمی‌شود و این حمایت از زیان‌دیده است که مسئولیت متولی را توجیه می‌کند. مسئول شناختن متولی و سرپرست باعث می‌شود که سرپرستان دقت بیشتر در نگهداری اطفال و افراد زیردست نمایند (ژوردن، ۱۳۸۲: ۱۱۸). بر این اساس ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌دارد: «هرکس تنها مسؤول زیان‌هایی که خود وارد می‌کند نیست و نسبت به خساراتی که از طریق افراد تحت مسؤولیت یا اشیاء تحت نگهداری او وارد می‌شود مسؤول است.

یعنی در این صورت فرض بر تقصیر است و اثبات تقصیر لزومی ندارد (لوراسا، ۱۳۷۵: ۶۹) همان طور که مواد ۳۳ قانون مدنی و قانون مصوب ۱۳۹۲ مجازات اسلامی در مورد مسؤولیت بانی ساختمان در ماده ۵۱۷ و ۵۱۸ و ۵۱۹ خود این مسؤولیت را بدون اثبات تقصیر قلمداد نموده است و قانون بیمه اجباری ۱۳۷۴ دارند، وسیله نقلیه را مفروض می‌داند مگر آن که دخالت عامل خارجی در کار باشد گرچه این صراحت را در قانونی اصلاحی ۱۳۸۷ دارندگان وسایل نقلیه نمی‌بینیم تبصره ۲ ماده ۵۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مسؤولیت نگهدارندگان اشیاء خطرناک را براساس اماره تقصیر تصویب نموده است.

۲/۳. فرانسه

در قانون فرانسه طی بند چهارم ماده ۱۳۸۴ قانونی مدنی فرانسه «پدر و مادر در صورت فقدان زوجیت هم مسؤول جبران ضررهایی هستند که بخاطر قصور آنان توسط اطفال به دیگران وارد شده است». قبلاً طبق قانون ۱۹۷۰ این کشور پدر و مادر مسؤولیت تضامنی در قبال خسارات اطفال را داشتند که در قانون فعلی این مسؤولیت تعدیل شده است. همان طور که در بند ششم همین ماده مسؤولیت مربی و معلم و حِرَف، مسؤول خسارات افراد تحت آموزش خود، شناخته شده اند و طبق بند هفتم همین ماده چنانچه خسارت بخاطر بی احتیاطی مربی و معلم نبوده باشد، اولیاء اطفال، مسؤول خسارت شناخته می‌شوند.^۱ اساس این مسؤولیت به نظر مازو بخاطر سلطه ابویین بر اولاد است که (Puissance paternal) گفته می‌شود (Mazeaud, 1965: 374).

۱. متن ماده ۱۳۸۴ فرانسه

2. Mazeaud, Henry, Leon - Theorie de la responsabilite Civil delictuelle et contractuelle

376). برخی حقوق دانان مصری هم این مسئولیت را بخاطر اهمال یا تفریط ابوین شمرده اند (حسنی، ۱۹۲۸: ۴۴۸) اما حق آن است که اگر مسئولیت والدین را بر اساس تقصیر و خطا بخواهیم تحلیل کنیم خطای آنان در نگهداری و تربیت اطفال می تواند به عنوان تقصیر شناخته شود تا مسئولیت بدون تقصیر را نپذیریم.

۳/۳. انگلیس

در حقوق انگلیس به خاطر نانوشته بودن قانون و صرفاً اعتماد به آراء (Commom law) نص صریحی بر مسئولیت یا عدم مسئولیت سرپرست نمی توان یافت و آنچه مسلم است آن است که افراد صغیر و مجنون نیز مثل افراد بالغ و عاقل دارای مسئولیت هستند و خسارت وارده را باید جبران نمایند و قاعده مورد قبول بین حقوق دانان آن است که As in sance person is just responsiblile for his torts as a same person یعنی مثل افراد عادی، افراد مهجور هم مسول شناخته می شوند (Cooke, 1999: 30). طبق رویه قضایی انگلیس، افراد زیر ۷ سال مسئولیت جزائی ندارند ولی افراد بین ۷ تا ۱۴ سال اصل بر عدم تحقق قصد مجرمانه است مگر خلاف آن ثابت شود (Salmond, 1969: 576). بنابراین مسئولیت مدنی علیه شخص و متوجه خودش می باشد و خسارت از اموال او پرداخت می گردد. مگر در دو مورد:

اولاً - جایی که ولی اهمال در نگهداری مولی علیه نموده باشد.

دلیل این مطلب آن است که چون بر عامل زیان تسلطی وجود ندارد لذا سراغ سرپرست او می روند و اصطلاح (parent) در حقوق انگلیس شامل پدر و مادر و هر کسی که عهده دار نگهداری طفل باشد می شود (Salmond, 1969: 580).

مورد دوم - جایی است که سرپرست، فرد صغیر را استخدام نموده باشد.

در این حالت رابطه تابع و متبوع بین سرپرست و طفل بوجود می آید و مسئولیت ورود زیان متوجه سرپرست خواهد بود و به قول سالموند در اینجا رابطه آقا و فرمانبر برقرار می شود نه رابطه والدین و طفل به همین خاطر متولی باید جوابگوی خسارات طفل باشد (همان: ۴۴۸) و در آراء قضایی انگلیس در پرونده گبسون علیه اُکینی می توان این مطلب را مشاهده کرد. (همان: ۵۸۱)

طبق تصمیمات جدید در انگلیس که مورد پذیرش محاکم قرار گرفته است مسئولیت خسارات وارده از طرف اطفال تا ۱۲ سالگی بر عهده سرپرست می باشد به شرطی که ثابت شود که تعلیمات لازم را به فرد تحت تکفل خود نداده است. اما این مسئولیت بعد از رسیدن به ۱۵ سال متوجه خود طفل می باشد چون بنابر آن است که تعلیمات و آموزش کافی در این سن به طفل داده شده است. این مطلب را در پرونده کری علیه کد می توان ملاحظه نمود (Salmond, 1969: 581).

۴/۳. مصر

مسئولیت سرپرست نسبت به مولی علیه در قانون مصر طبق ماده ۱۷۳ بر عهده سرپرست می باشد این ماده مقرر می دارد: [هر کسی که بر اساس قانون یا اتفاق سرپرست دیگری شمرده می شود به خاطر ضرر غیر مشروع وارد بر غیر، مسئول شناخته می شود و باید جبران ضرر نماید ولو شخص تحت ولایت، صغیر غیر ممیز باشد]. شرط تحقق این مسئولیت وجود رابطه تولی گری بین ولی و مولی علیه است و لازمه این رابطه آن است که شخص مولی علیه نیاز به این سرپرستی داشته باشد و سرپرست نیز قانوناً سرپرست چنین شخصی شناخته شود.

با توجه به این دو شرط، مولی علیه ممکن است

الف. صغیر باشد که طبق قانون ممیز زیر ۲۱ سال صغیر تلقی می گردد.

توضیح آن که افراد زیر ۱۵ سال قطعاً صغیر تلقی می گردند جبران خسارت وارده از سوی آنان بر عهده ولی می باشد ولی افرادی که بین ۱۵ و ۲۱ سال هستند، چنانچه بدور از ولی، زندگی می کنند و نیاز به تکیه به ولی در تأمین معیشت خود داشته باشند باز صغیر تلقی می گردند ولو با ولی خود در یک مکان زندگی نکنند. ولی اگر بعد از رسیدن به ۱۵ سال در تأمین نفقه خود اتکا بر ولی خود ندارند، خسارت وارده از ناحیه آنان نیز بر عهده خودشان خواهد بود.

۱. محجورین عقلی، اعم از سفیه مجنون ولو به ۲۱ سال رسیده باشند چنانچه ضرری وارد نمایند،

جبران بر عهده سرپرست می باشد.

۲. معلولین جسمی ولو از نظر عقل و بلوغ مشکلی نداشته باشند مثل افراد زمین گیر و شل و نابینا،

خسارت وارده از طرف آنان باید توسط ولی جبران شود. (مناوری، ۱۹۶۶: ۱۴۸)

اما از نظر شرط دوم که محقق بودن سرپرستی است باید گفت: شخص مورد سرپرستی چه به حکم قانون تحت سرپرستی باشد یا به حکم توافق والدین، یا مادر یا جد باشد، رابطه ولی و مولی علیه بین آنان ایجاد شده و باید ولی پاسخ گو باشد (رأی تمیزی دیوانعالی کشور مصر ۱۹۴۷/۲/۱۷) گاهی فرد پاسخ گو ممکن است کسی باشد که مریض را تحت درمان خود دارد که در این صورت مسئولیت مدنی متوجه چنین شخصی خواهد بود که فرد محتاج سرپرستی را در اختیار دارد. و گاهی ممکن است مسئولیت کلاً از فردی به فرد دیگر منتقل شود مثل معلولی که ازدواج می کند پس از ازدواج مسئولیت او متوجه همسرش خواهد بود نه پدر و یا مادر او. اما مسئولیت ممکن است موقتاً هم منتقل به غیر شود مثل مسئولیت اطفال در مدرسه که در ساعات آموزش، متوجه مسئول مدرسه خواهد بود.

طبق ماده ۱۷۴ قانون مدنی مصر، فرد مضرور، نیاز به اثبات تقصیر سرپرست ندارد و در مسئولیت او فرض بر تقصیر است و صرف وجود ضرر از طرف مولی علیه، رابطه سببیت را نیز محقق می گرداند و نیاز به اثبات آن نیست. این مطالب را رأی استتافی شماره ۴۲۶ در تاریخ ۱۹۶۹/۱۲/۲۳ نیز تأکید می نماید.

طبق قانونی مدنی مصر خسارتی که ولی برای مولی علیه می پردازد چنانچه مولی علیه صغیر غیر ممیز باشد حق رجوع اموال او را ندارد ولی اگر مولی علیه، ممیز باشد در این صورت ولی حق مراجعه به اموال مولی علیه برای پرداخت خسارت به زیاننده را دارد. این مطلب طبق ماده ۱۷۵ این قانون به صراحت بیان گر آن است (للمستول عن عمل الغير حق الرجوع علیه فی الحدود التي یكون فیها هذا الغير مسئولاً عن تعویض الضرر)

۵/۳. عراق

در کشورهای عربی از جمله عراق این تحلیل را بر نمی تابد و بدنبال پذیرش مسئولیت مدنی بدون اثبات تقصیر و اعتقاد به فرض تقصیر در ولی است (الحیاری، ۲۰۰۳: ۳۳۴). حقوق دانان جدید عراق نسبت به بیان مازو که تقصیر را متوجه عدم تربیت و نگهداری اطفال نموده است اشکال نموده اند که اگر چنین مبنایی را

پذیریم مجبوریم در اطفال کبیر هم همین عامل بی تربیتی را تقصیر والدین تلقی نمائیم. در حالی که در افراد کبیر چنین قولی پذیرفته نیست (همان).

اگر چه برخی از حقوق دانان نیز خواسته اند حرف مازو را حمل بر فرض تقصیر والدین تلقی نمایند نه خود تقصیر که در این صورت نیازی به اثبات تقصیر نخواهد بود. (مرقس، ۱۹۶۸: ۱۱۸)

ایراد دیگر بر نظریه تقصیر در مسئولیت والدین نسبت به اولاد آن است که چنانچه در موقع وقوع ضرر توسط فعل مسئولیت نگهداری طفل بر عهده دیگری بوده است. مثل مربی مدرسه، در اینجا دیگر اعتماد به نظریه تقصیر والدین که طفل را خوب تربیت نکرده اند نیست چون در این جا مسئولیت متوجه آنان نیست (همان).

اما به نظر مازو این توجیه نیز قابل قبول دانسته نشده است (Mazeaud, 1965: 889/1). بر این اساس چنانچه پدر و مادر ثابت کنند ضرری که حاصل شده حاصل تربیت بد آنان نبوده است از مسئولیت مبری خواهند بود (الحیاری، ۲۰۰۳: ۳۳۶). همان گونه که حقوق دانان دیگر عراقی نیز ضمن انکار فرض تقصیر، اثبات عدم تقصیر والدین را ممکن دانسته است (حسنی، ۱۹۲۸: ۴۵۵). بر این اساس با توجهی که امثال مازو از مسئولیت اولیاء نسبت به اولاد نموده اند، مسئولیت اولیاء استثنایی بر مبنای تقصیر نیست و طبق مبنای تقصیر توجیه می گردد و در واقع این مسئولیت مبتنی بر فرض تقصیر نیست بلکه علاقه سببیت نیز بین خطا و ضرر وجود دارد اما حقوق دانان عراقی این توجیه را پذیرفته اند و بنا را بر فرض تقصیر در والدین گذاشته اند (عوده، ۱۹۵۹: ۷۶).

۴. مبنای مسئولیت متبوع نسبت به فعل تابع در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس، مصر و عراق

اکنون در قسمت دوم مقاله مسئولیت متبوع نسبت به تابع را در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس، مصر و عراق بررسی می کنیم.

۱/۴. ایران

مسئولیت نسبت به فعل غیر یک حالت استثنایی است زیرا اصل بر آن است که هر شخص مسئول جبران خساراتی است که خود وارد نموده است اما به خاطر رعایت مصالحی مثل حمایت از زیان دیده در مواردی

مسئولیت متبوع نسبت به تابع پذیرفته شده است که این پذیرش ضمن جبران خسارتی که ممکن بود بدون جبران باقی بماند لزوم مراقبت سرپرست و کارفرما را تقویت می نماید.

لزوم رابطه تابع و متبوع شرط مسئولیت متبوع است و الا اگر کسی قبلاً کارگر کسی بوده و الآن خسارتی وارد نماید نمی توان متبوع را مسئول جبران خسارت شمرده در این مورد سیستم های مختلف حقوقی پاسخ های متفاوتی داده اند که بررسی می نمائیم. طبق ماده ۱۲ (ق.م.م) کارفرما مسئول جبران خسارتی شمرده شده که کارگر به دستور او به دیگری وارد نموده است مبنای این مسئولیت را می توان بر اساس فرض تقصیر بنا نهاده ماده ۱۱ همین قانون دولت را مسئول جبران خساراتی می داند که مستند به عمد یا تقصیر کارکنان ا و نباشد و ماده ۴۷۳ (ق.م.ا) مصوب ۱۳۹۲ مقرر می دارد که اگر مأموری در اجرای قانون عملی انجام دهد که منجر به فوت یا صدمه دیگری شود به شرطی که ان عمل را وفق مقررات انجام داده باشد. دیه فرد آسیب دیه بر عهده بیت المال است. همین مطلب در اصل ۱۷۱ (ق.ا) در مورد اعمال قاضی بیان شده چنانچه این مطلب در فقه شیعه در باب مسئولیت قاضی ذکر شده است. (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۱۸/۱۰) در ماده ۷ (ق.م.م) مسئولیت متبوع به شرطی است که تابع تخلف و تقصیر ننموده باشد، معنی این ماده آن است که مسئولیت متبوع منوط به اثبات عدم تقصیر تابع است و در واقع لازم است که تقصیر متبوع اثبات شود ولی در ماده ۱۲ همین قانون بنابر فرض تقصیر متبوع نهاده شده است.

۲/۴. فرانسه

حقوق فرانسه نیز در مسئولیت متبوع خالی از اعوجاج نیست لذا در برخی موارد مسئولیت متبوع بر اساس فرض تقصیر و گاهی بخاطر تحمل متبوع یا ضمان متبوع یا نیابت و حلول یا تأمین توجیه شده است.

الف - اعمال فرض تقصیر

طبق بند سوم ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه متبوع با تحقق شرایط زیر مسئول پرداخت خسارات ناشی از عمل تابع است.

- رفتار غیر مشروع متبوع

- کوتاهی در اشراف بر اعمال تابع

- متابعت تابع از اوامر متبوع

در افکار حقوق دانان قدیم فرانسه مثل پوتیه، اثبات خطای متبوع لازم گرفته شده بود (Josserand, 1974: n 510). ولی کم کم این نظریه مورد انتقاد قرار گرفت و طی حکم ۵ مارس ۱۹۳۰ دیوانعالی کشور فرانسه طبق فرض تقصیر برای متبوع رأی داده شد (Savatie, 1923: 98).

ب- اعمال نظریه تقصیر

در استناد به ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه و برداشت فرض تقصیر از آن برخی انعقاد نموده و قائل شدند که نظریه قابل قبول در مسئولیت متبوع، همان نظریه تقصیر، است نه فرض تقصیر و حرف این سری از حقوق دانان آن بود که بند سوم ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه هرگز چنین برداشتی را اجازه نمی دهد و نمی توان در واگذاری اختیار به تابع مسئولیت بر اساس تقصیر را ثابت نمود (صراف، ۱۹۵۴: ۱۳۱).

ج- اعمال نظریه تحمل تبعه طبق ماده مذکور:

بخاطر انتقادات زیادی که به نظریه فرض تقصیر یا تقصیر متبوع صورت گرفت، نظریه تحمل متبوع نسبت به تابع، مطرح شد که مضمون آن، آن است که متبوع از تابع خود سود می برد لذا می باید خسارات او را هم پاسخ گو باشد و نیازی به نظریه های دیگر نیست و بحث آن است که خدمات تابع در امتداد امیال متبوع است و لذا باید پاسخگوی آن باشد (Josserand, 1970: 513) نهایتاً توجه نظریه تحمل متبوع، در برگشت به قاعده (من له الغنم فله الغرم) مسلمانان توجیه می شود (عاملی، ۱۹۵۶: ۱۱۰) این مطلب را در مقاله مورخ ۱۹۲۳/۱/۵ ساواتیه نیز می توان مشاهده کرد. که تحت عنوان (Beneficiarie) آن را مطرح کرده است (ساواتیه، ۱۹۷۰: ۵۱۲)

د- نظریه ضمان و نایب و حلول:

به دنبال عدم پذیرش نظریات سابق نظریات جدیدی طرح شد. مضمون نظریه ضمان آن است که متبوع و وظیفه نگهداری و مراقبت از تابع داشته و در مقابل خسارات همان طور که خودش ضامن است افراد تحت تکفل او نیز تحت ضمانت او هستند.

مفاد نظریه حلول نیز آن است که تابع حلول به مقام متبوع نموده و جانشین متبوع در مسئولیت است خطائی که تابع مرتکب می شود گویا متبوع مرتکب شده است. مفاد نظریه نیابت نیز آن است که تابع نایب متبوع است در واقع آنچه که از تابع سرزده گویا از متبوع سرزده است، برداشت این نظریات را می توان در برداشت های برخی حقوق دانان عرب نیز دید (جندی، ۱۹۶۷: ۱۰۵؛ عمر، ۱۹۷۰: ۱۰۲)

۳/۴. انگلیس

در حقوق این کشور نیز مسئولیت متبوع نسبت به تابع بر فرض تقصیر استوار است (Salmond, 1969: 448). زیرا نفع و فایده ای که از کار تابع برده می شود متوجه متبوع است بر این اساس خسارت هم متوجه او است و خسارت ناشی از عمل تابع را بر اساس افعال متبوع از دادن آموزش کافی و احتیاط لازم متوجه متبوع می داند و در این جا لزوم به اثبات خطای متبوع هم نیست و آرای صادره در محاکم انگلیس این مطالب را نشان می دهد، مثل پرونده (فوتن علیه اوگرلی در ۱۹۵۹، و پرونده کرولی علیه کودر ۱۹۶۶ و گیسون علیه اکی نی)^۱ به نقل از سالموند (Salmond, 1969: 581) اما شرط تحقق این مسئولیت آن است که رابطه تابع و متبوع بین این دو نفر ثابت باشد، تعالیم لازم از طرف متبوع به تابع داده شده باشد (طبق رأی محکمه استیناف انگلیس در ۱۹۶۸)

۴/۴. مصر

طبق قوانین قدیم مصر مسئولیت متبوع نسبت به تابع بر اساس فرض تقصیر بنا شده است که اثبات عکس آن نیز ممکن نیست (مجموعه احکام نقض مصر، سال هشتم، شماره ۳۰۶ در سال ۱۹۵۵) اما این دیدگاه مورد نقد قرار گرفت و فرض تقصیر مورد هجومه حقوق دانان قرار گرفت. (مرقس، ۱۹۶۸: ۴۹۵) رأی دادگاه استیناف نظریه فرض تقصیر را پذیرفت (همان) برخی نیز نظریه تقصیر را پیشنهاد کردند (صالح، ۱۹۳۳: ۳۵۲)

1. Newton.V.Edgerley - Corely.V.Codd - Gibson.V.Okeeney

اما رویکرد جدید حقوق مصر برخی سراغ نظریه نیابت و حلول رفته اند (صراف، ۱۹۵۴: ۷۷) و (المده، ۱۸۸۵: ۳۴۵) و برخی آراء نیز بر حلول صادر شد (نقض مدنی ۱۹۷۸/۵/۸) برخی نیز سراغ نظریه خطر رفتند (صالح، ۱۹۳۳: ۳۵۲) نظریه دکتر س نهوری نیز بر آن شد که مسئولیت متبوع مسئولیت ذاتی نیست بلکه به عنوان ضمان متبوع مقابل تابع تلقی می گردد (سنهوری، ۱۹۵۲: ۱۱۲۶) همین نظریه امروز، در حقوق مصر مورد قبول واقع شده و در ماده ۱۷۵ قانون مدنی مصر آمده است.

(للمسئول عن عمل الغير حق الرجوع عليه التي يكون فيها هذا الغير مسؤولاً عن تعويض الضرر) یعنی برای متبوع حق رجوع به تابعی که متبوع خسارت او را متحمل شده هست. برخی نیز از ماده ۱۷۴ مدنی مصر چنین برداشت نموده اند که اثبات عکس آن ممکن است یعنی اگر تقصیری از متبوع سر نزده باشد می توان به خود تابع مراجعه کرد (عامر حسینی، ۱۹۵۶: ۱۶۰) متن ماده ۱۷۴ چنین است [۱- یكون المتبوع مسؤولاً عن الضرر الذي يحدثه تابعه بعمله الغير المشروع متى كان واقعاً منه في حال تادية وظيفته او سببها ۲- و تقوم رابطة التبعية، ولو لم يكن المتبوع حتى في اختيار تابعه متى كانت له عليه سلطة فعلية في رقابته و في توجيهه) این ماده بر اساس نظریه تحمل التبعية صحیح است ولی چنانچه بر اساس قاعده غرم تفسیر کنیم چنانچه تابع سودی در اقدامی که موجب ضرر شده داشته، بعید نیست که ماده ۱۷۴ مدنی مصر را حمل بر این کنیم که متبوع تا زمانی پاسخگوی زیان وارده است که سود متوجه متبوع باشد ولی اگر سود متوجه تابع باشد بعید نیست که جبران زیان را هم متوجه تابع نمائیم (مرقس، ۱۹۶۸: ۲۱۸).

۵/۴. عراق

ماده ۲۱۹ قانون مدنی عراق حاکی از آن است که «حکومت و شهرداری ها و مؤسسات صنعتی و تجاری در مقابل ضرر وارده از طرف کارگزارانشان در حین عمل مقابل متضرر مسئول شناخته می شوند مگر آن که متبوع، ثابت نماید که تمام سعی خود را به کار برده است با این حال ضرر وارد شده است و راهی برای خلاصی از ضرر نبوده است». طبق این ماده فرض تقصیر برای متبوع در نظر گرفته شده است مگر آن که متبوع ثابت نماید که وقع ضرر به خاطر نقض تعلیمات و غیره نبوده بلکه بخاطر حوادث قهری و ... بوده است و لازم نیست که تقصیر متبوع در اینجا ثابت شود. به نظر می رسد که پذیرش این قاعده در قانون عراق

با روال مقبول در کشورهای غربی فرق دارد. مثلاً ماده ۱۷۴ قانون مدنی مصر و ماده ۲۸۸ قانون مدنی اردن متبوع را زمانی مسئول خسارت می دانند که تقصیر او ثابت شود و ورود خسارت بخاطر قصور او سر زده باشد. بر اساس ماده ۲۱۹ قانونی مدنی عراق، محکم استیناف عراق کارفرمای شرکت گازرسانی را محکوم به خسارت نموده است (عکوش، ۱۹۷۰: ۲۸۹).

نتیجه گیری

۱- مسئولیت ولی نسبت به مولی علیه جزء موارد استثناء بر مسئولیت مدنی است چون اصل بر آن است که هرکس ضامن خسارتی است که به دیگری می زند و قبول مسئولیت ولی بخاطر حمایت از زیان دیده و تأکید بر مراقبت ولی نسبت به مولی علیه در قانون پذیرفته شده است.

۲. در مسئولیت مولی علیه نیز در جایی که عامل زیان به عامل خارجی نسبت داده شود. ولی او از پرداخت خسارت معاف است.

۳. مبانی مسئولیت مدنی ولی در قانون ایران را می توان در موارد ۷ و ۱۱ و ۱۲ قانون مسئولیت مدنی و مواد ۴۷۳ و ۵۱۷ و ۵۱۸ قانون مجازات اسلامی جدید و قانون بیمه اجباری سال ۱۳۷۴ جستجو کرد.

۴. در قانون مدنی فرانسه مهمترین ماده قانونی بندهای ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی این کشور است که مسئولیت مولی علیه را بر اساس نظریه نیابت یا حلول یا ضمان می توان پذیرفت.

۵. حقوق دانان مصری با استناد به ماده ۱۷۳ قانونی مدنی این کشور سن صغیر را تا ۲۱ سال قلمداد نموده و ولی را مسئول جبران خسارات وارده ازطرف مولی علیه نموده به شرطی که از سن ۱۵ تا ۲۱ سال، طفل متکی به اولیاء باشد را پذیرفته اند.

۶. در قانون عراق نیز سعی کرده اند که نظریه مسئولیت مولی علیه را ابتدا به خاطر وجود تقصیر ولی توجیه کنند که از طفل خوب مراقبت نکرده است و خواسته اند نظر مازوها را بر اساس نظریه تقصیر توجیه نمایند ولی بخاطر اشکالاتی، از این نظریه صرف نظر و به فرض تقصیر ولی روی آورده اند.

۷. در مسئولیت متبوع نسبت به تابع هم کشورهای ایران، فرانسه، انگلیس، مصر، عراق عمدتاً قایل بر آن هستند که به شرط تحقق رابطه تابعیت و عدم تقصیر تابع، متبوع باید از عهده خسارت ناشی از عمل تابع برآید.

فهرست منابع

- بادینی، حسن، ۱۳۸۴، فلسفه حقوق مسئولیت مدنی، شرکت سهامی انتشار.
- الجنیدی، عبدالحلیم، ۱۹۵۸، المسؤولية المدنية فی النظام الاشتراکی، مجله مصر المعاصره، العدد ۳۲۸، لسنة ۱۹۶۷م.
- الحر العاملی، ابوجعفر محمد بن الحسن، بی تا، وسائل الشیعه، ج ۱۸، دار احیاء التراث العربی.
- حسینی، محمد فؤاد، ۱۹۲۸، بحث فی مسؤولية الایاء والامهات والقامه والاوصیاء عن اعمال الصبی والمجور، مجله المحاماه، الاهلیة، القاهرة، العدد ۴، ۵.
- حکمت نیا، محمود، ۱۳۸۶، مسئولیت مدنی در فقه امامیه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ و اسلامی.
- حلی، جعفر بن الحسن، بی تا، شرائع الإسلام، انتشارات استقلال طهران.
- حیادی، نبیل عبدالرحمن، ۲۰۱۶، قانون مدنی عراق، بیروت، نشر عاتک.
- الحیاری، احمد ابراهیم، ۲۰۰۳، المسؤولية التقصيرية عن فعل الغير، ط ۱، دار وائل للنشر، عمان، الاردن.
- الخمینی، روح الله بن مصطفی الموسوی، ۱۴۲۱، البیع، ج ۴، ط الاولى، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی، طهران.
- الخوتی، أبو القاسم الموسوی، ۱۳۹۶، تکمله المنهاج، ج ۴۲، المطبعة العلمیه، قم.
- ره پیک، حسن، ۱۳۹۳، حقوق مسئولیت مدنی و جبرانها، انتشارات خرسندی.
- ژوردن، پاتریس، ۱۳۸۲، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، تهران، نشر میزان.
- سراج، محمد احمد، ۱۴۱۰، ضمان العدوان فی الفقه الاسلامی، القاهرة، دارالثقافة للنشر و التوزيع.
- السنهوری عبدالرزاق، ۱۹۵۲، الوسيط فی شرح القانون المدني الجديد، دار النشر للجامعات المصریه، القاهرة.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد، ۱۹۶۷، الوسيط، ج ۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ط ۱.
- صراف، عباس، ۱۹۵۴، المسؤولية العقدیه عن فعل الغير، اطروحه دکتوراه جامعه القاهرة، کلیه الحقوق مطبعة دار الكتاب العدلی، مصر.
- عامر، حسین، ۱۹۵۶، المسؤولية المدنية، ط ۱، مط مصر، شرکه مساهمه مصریه.
- عکوش، حسن، ۱۹۷۰، المسؤولية العقدیه و المسؤولية التقصيرية فی القانون المدني، ط ۲، دارالفکر الحدیث القاهرة، ۱۹۷۰م.
- عمر، محمد الشیخ، ۱۹۷۰، مسؤولية المتبوع، اطروحه دکتوراه من جامعه القاهرة مطبع سجيل العرب، .
- عوده، عبدالقادر، ۱۹۵۹، التشریح الجنایی، ط ۲، مط ا لمدنی، دارالعروبه.
- فهیمی، عزیزاله، ۱۳۹۱، مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- قاسم زاده، سید مرتضی، ۱۳۸۶، مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان.
- قانون المدني العراقي رقم ۴۰ لسنة ۱۹۵۱.
- قانون المدني الفرنسي الصادر عام ۱۸۰۴م.
- قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲
- قانون مسئولیت مدنی ایران مصوب ۱۳۳۹
- قانونی مدنی المصری رقم ۱۳۱ لسنة ۱۹۴۹م.
- لوراسا، میشل، ۱۳۷۵، مسئولیت مدنی، ترجمه محمداشتري، نشر حقوقدان.

متولی وهدان، رضا، ٢٠١٤، لوجیبر فی المسئولیه المدنیه، مصر، دارالفکر والقانون. .
مراغی، میر عبدالفتاح الحسینی، ١٤٢٥، العناوین، ج ١، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، ط ٢.
مرقس، سلیمان، ١٩٦٨، مسئولیه الراعی المفترضه عن فعل المرعی فی تقنیات البلاد العربیه مع المقارنه بالقانون الفرنسی، جامعه الدول العربیه،
معهد البحوث والدراسات العربیه، .
مناوری، فکری احمد، ١٩٦٦، حدود الخطأ المفترض كأساس مسئولیه متولی الرقابہ، مجله دار قضايا الحکومه السنه العاشره .
نجفی، محمد حسن، ٢٠٠٩، جواهر الکلام، ج ٤٢، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
وحدتی شبیری، سید حسن، ١٣٨٥، مبانی مسئولیت مدنی قراردادی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

Reference

- Bell, J., Boyron, S., & Whittaker, S. (1998). *Principles of French law*. Oxford University Press.
Cooke, J. (1999). *Law of torts* (4th ed.). Financial Times Pitman Publishing.
Josserand, L. (n.d.). *Les accidents de droit civil* (Vol. 11, Vol. 512).
Mazeaud, H., & Mazeaud, L. (1965). *Traité théorique et pratique de la responsabilité civile délictuelle* (6th ed., Vol. 1). André Tunc.
Salmond, J. W. (1969). *On the law of torts* (15th ed.; R. F. V. Heuston, Ed.). Sweet & Maxwell.
Savatier, R. (1923-1933). *Traité de droit civil: Les obligations en général*. Paris.
Villey, M. (1970). Esquisse historique sur le mot « responsabilité ». *Archives de philosophie du droit*, 22.

In Persian

- Akūsh, H. (1970). *Al-mas'ūliyyah al-'aqdiyyah wa-al-mas'ūliyyah al-taqṣīriyyah fī al-qānūn al-madānī* (2nd ed.). Dār al-Fikr al-Ḥadīth.
Al-Ḥā'irī, A. I. (2003). *Al-mas'ūliyyah al-taqṣīriyyah 'an fī'l al-ghayr* (1st ed.). Dār Wā'il lil-Nashr.
Al-Ḥurr al-'Āmilī, M. ibn al-Ḥasan. (n.d.). *Wasā'il al-shī'ah* (Vol. 18). Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
Al-Jundī, 'A. (1967). *Al-mas'ūliyyah al-madaniyyah fī al-nizām al-ishtirākī. Al-Majallah al-Miṣriyyah al-Mu'āṣirah*, (328).
Al-Khumeinī, R. M. al-Mūsawī. (2000). *Al-bay'* (Vol. 4, 1st ed.). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
Al-Khū'ī, A. al-Q. al-Mūsawī. (2017). *Takmilat al-minhāj* (Vol. 42). Al-Maṭba'ah al-'Ilmiyyah.
Al-Sanhūrī, 'A. al-R. A. (1952). *Al-wasīṭ fī sharḥ al-qānūn al-madānī al-jadīd*. Dār al-Nahḍah al-Jāmi'iyyah.
Al-Sanhūrī, 'A. al-R. A. (1967). *Al-wasīṭ* (Vol. 1, 1st ed.). Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
Al-Sarrāf, 'A. (1954). *Al-mas'ūliyyah al-'aqdiyyah 'an fī'l al-ghayr* [Doctoral dissertation, Cairo University, Faculty of Law]. Maṭba'at Dār al-Kitāb al-'Adlī.
Al-Sheikh 'Umar, M. (1970). *Mas'ūliyyat al-mutbū'* [Doctoral dissertation, Cairo University]. Maṭba'at Sijill al-'Arab.
Āmir, H. (1956). *Al-mas'ūliyyah al-madaniyyah* (1st ed.). Maṭba'at Shirkat Musāhamah Miṣriyyah.

- Badini, H. (2005). *Philosophy of civil liability*. Enteshar Joint Stock Company. (In Persian)
- Civil Code of Egypt*, No. 131 of 1948.
- Civil Code of France* (1804).
- Civil Code of Iraq*, No. 40 of 1951.
- Fahīmī, 'A. (2012). *Civil liability arising from environmental destruction in Islamic jurisprudence and Iranian law*. Research Institute for Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Ḥellī, J. ibn al-Ḥasan. (n.d.). *Sharā'ī al-Islām*. Esteqlal Publishing. (In Persian)
- Ḥikmat-Niyā, M. (2007). *Civil liability in Imami jurisprudence*. Research Institute for Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Ḥusnī, M. F. (1928). Baḥṡ fī mas'ūliyyat al-ābā' wa-al-ummahāt wa-al-aqārb wa-al-awṣiyā' 'an a' māl al-ṣabī wa-al-mahjūr. *Majallat al-Muḥāmāh*, (4-5).
- Iranian Civil Liability Act* (1960).
- Islamic Penal Code of Iran* (2013).
- Jāhānī, M. A. S. (2011). *Ḍamān al-'udwān fī al-fiqh al-Islāmī*. Dār al-Thaqāfah lil-Nashr wa-al-Tawzī'.
- Jürden, P. (2003). *Principles of civil liability* (M. Adīb, Trans.). Mizan Publishing. (In Persian)
- Lorasā, M. (1996). *Civil liability* (M. Dashtīrī, Trans.). Hoqūqdān Publishing. (In Persian)
- Marāghī, M. F. al-Ḥusaynī. (2004). *Al-'anāwīn* (Vol. 1, 2nd ed.). Islamic Publishing Institute affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Marqūs, S. (1968). *Mas'ūliyyat al-rā'ī al-muftaraḍah 'an fī'l al-mar'ī fī taqnīnāt al-bilād al-'Arabiyyah ma'a al-muqāranah bi-al-qānūn al-Faransī*. League of Arab States, Institute of Arab Research and Studies.
- Mutawallī Wahdān, R. (2014). *Al-jabr fī al-mas'ūliyyah al-madaniyyah*. Dār al-Fikr wa-al-Qānūn.
- Najafī, M. Ḥ. (2009). *Jawāhir al-kalām* (Vol. 42). Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Qāsimzādah, S. M. (2007). *Civil liability*. Mizan Publishing. (In Persian)
- Rahpeyk, Ḥ. (2014). *Civil liability and remedies*. Khorsandi Publishing. (In Persian)
- Savādī, M. A. (2011). *Ḍamān al-'udwān fī al-fiqh al-Islāmī*. Dār al-Thaqāfah lil-Nashr wa-al-Tawzī'.
- Wahdatī Shabīrī, S. Ḥ. (2006). *Foundations of contractual civil liability*. Research Institute for Islamic Culture and Thought. (In Persian)